

زاویه دید و دردسرهايش



علی موسی‌زاده
داستان‌نویس

اگر داستان را سفری بدانیم، زاویه دید همان نقشه راه است. بدون آن، ممکن است نویسنده از شمال شروع کند و خواننده از جنوب برسد! زاویه دید مشخص می کند چه کسی روایت می کند، از کجا می بیند و چقدر می داند. بله، همین سه سؤال به ظاهر ساده، یکی از پیچیده ترین انتخاب های نویسنده‌ی انگ.

چرا زاویه دید مهم است؟

زاویه دید تعیین می کند چقدر از حقیقت را می بینیم و به چه شکل آن را باور می کنیم. وقتی داستان را از چشم یک کودک می خوانیم، جهان پر از راز و ترس و سوء تفاهم است؛ اما اگر همان اتفاق از دید مادر روایت شود، پر از اضطراب و مسئولیت می شود. درعین حال روایت مادر، به واقعیت عینی نزدیک تر است.

زاویه دید فقط «تکنیک» نیست، بلکه بخشی از معناست. انتخاب آن مثل انتخاب عینک است، هر رنگی بزنی، جهان رنگ خودش را می گیرد.

اول شخص؛ نزدیک اما محدود

روایت اول شخص، یعنی جهان را از درون ذهن شخصیت بینیم. خوبی اش این است که بلافاصله ما را وارد احساسات می کند؛ اما بدی اش این است که به همان اندازه محدود می شویم. خواننده فقط آنچه راوی می بیند می داند، نه بیشتر. اما به یاد داشته باشید که در ذهن راوی ممکن است خیلی چیزها خطور کند و این شمايید که تعیین می کنید متن روایت روی کدام خط از خطوط افکار راوی حرکت کند.

اگر راوی غیرقابل اعتماد باشد unreliable (مثل «راوی ناآگاه» یا دروغ گو)، داستان حتی هیجان انگیزتر می شود. چون خواننده باید میان گفته ها و واقعیت فاصله بگذارد. اما راوی ناآگاه اگر بیش از حد ناآگاه باشد، دیگر فقط آزاردهنده است!

سوم شخص؛ همه چیزدان یا محدود؟

در روایت سوم شخص، نویسنده می تواند از بیرون نگاه کند یا به ذهن چند شخصیت سرک بکشد. مشکل اینجاست که بعضی نویسندگان وسوسه می شوند همه ذهن ها را باز کنند و داستانشان تبدیل می شود به صفی از افکار درهم. همه چیزدانی، وسوسه خطرناک نویسندگان تازه کار است. چون احساس قدرت می دهد. اما نتیجه اش معمولاً آشفتگی است. گاهی محدودیت، خودش قدرت می آورد. اگر هر شخصیت فقط بخشی از حقیقت را بگوید، تعلیق طبیعی ایجاد می شود.

دوم شخص؛ بازی با ذهن خواننده

روایت دوم شخص («تو وارد اتاق می شوی...») از آن ترفندهایی است که اگر خوب اجرا شود، شاهکار است و اگر بد، فاجعه. در بهترین حالت، خواننده را در متن شریک می کند؛ در بدترین حالت، او را از داستان بیرون می اندازد.

این زاویه دید برای داستان های روان شناختی یا تجربه محور عالی است. اما به تمرکز بالا نیاز دارد. چون نویسنده باید بداند دقیقاً با چه «تو»یی صحبت می کند؛ شخصیت؟ خواننده...؟

اشتباهات رایج در زاویه دید

۱. پریدن بی دلیل بین زاویه ها: خواننده گیج می شود و احساس می کند کنترل دست نویسنده نیست.

۲. راوی همه چیزدان فضول: که حتی از رنگ جوراب شخصیت های فرعی هم خبر دارد!

۳. شناخت نداشتن از لحن راوی: اگر راوی اول شخص است، باید دنیای واژگان و فکرش منحصر به فرد باشد.

زاویه دید نه فقط یک انتخاب فنی، بلکه انتخاب اخلاقی هم هست؛ چه کسی حق دارد داستان را تعریف کند؟ و چرا؟

گاهی نویسنده ها زاویه دید را مثل صندلی سینما عوض می کنند؛ «بخشید، از اینجا دید ندارم، برم جلوتر!» نتیجه؟ خواننده حس می کند با یک کارگردان گیج طرف است. زاویه دید را از اول انتخاب کن و تا آخر به آن وفادار بمان، مگر اینکه دلیل محکم تری برای تغییر داشته باشی.

ورجینیا وولف می گفت: «زاویه دید یعنی انتخاب اینکه کدام صدا را بشنویم و کدام را خفه کنیم.» این جمله به ظاهر شاعرانه، در واقع یادآوری مسئولیت نویسنده است. هر انتخابی یعنی حذف صداهای دیگر. پس قبل از نوشتن، بپرس: چه کسی شایسته روایت این داستان است؟

جمع بندی

زاویه دید، روح پنهان روایت است. اگر درست انتخاب شود، خواننده بی آنکه بداند، تا پایان با نویسنده همراه می ماند. اگر اشتباه انتخاب شود، حتی بهترین داستان هم گیج کننده خواهد شد.

با احترام عمیق به لئونارد بیشاپ، استاد بزرگ داستان نویسی.

نشر اطراف منتشر کرد

باختن به بدن



نشر اطراف به تازگی کتاب تازه خود را با عنوان «باختن به بدن» منتشر کرده و در معرفی آن نوشته است، باختن به بدن (در ستایش شکست ۱)، درباره شکست جسمی و پیامدهای است که می تواند برای انسان داشته باشد. همه ما در قالب بیماری، ضعف یا کهن سالی، به سبب ناتوانی های بدنمان شکست می خوریم. این نوع ناکامی های فیزیکی، شکست ما هستند، چون ما مییم که آن ها را تجربه می کنیم، اما ربطی هم به ما ندارند. چون مسببشان بخشی از بدنمان است که موقتاً یا دائمی مهارش در دست ما نیست. کاستیکاً برادرانان با تأمل بر زندگی و اندیشه های سیمون وی، فیلسوف، عارف و کنشگر سیاسی فرانسوی، اولین حلقه از چهار نوع شکست ناگزیر انسان را بررسی می کند. سیمون وی، به رغم ظرفیت های ذهنی شگفت انگیزش، دست وپا چلفتی بود و در بیشتر مواجهه هایش با جهان ناکام می ماند.

این کتاب، جلد اول از مجموعه چهار جلدی «در ستایش شکست» است که در سال ۲۰۲۴ جایزه PROSE را در حوزه فلسفه گرفت. این مجموعه بیش از آنکه درباره شکست باشد، درباره پیامدهای ارزشمند آن است. برادرانان با شکستن کلیشه «شکست پله ای برای موفقیت» و پرهیز از کالاسازی آن، کارکردشفابخش شکست را توضیح می دهد، یعنی شناساندن جایگاه واقعی انسان به خودش ودعوت او به فروتنی درقبال جهان.



نگار تشکری، دبیر جشنواره ادبی داستان کوتاه «هشت»:

کار ما با اعلام برگزیده ها تمام نمی شود



● وجه تمایز جشنواره ادبی «هشت»، نسبت به دیگر جشنواره های ادبی، چیست؟
جشنواره ادبی «هشت» تنها یک رقابت ادبی نیست، بلکه یک رویداد فرهنگی پیوسته است. تمایز اصلی آن در فرایند دوسویه و تعاملی اش با نویسندگان است. ما به جای تمرکز صرف بر انتخاب آثار برگزیده، بر ایجاد مسیر رشد، تبادل تجربه و گفت وگو تأکید داریم. با حضور مداوم استادان، نشست ها، نقدها، کارگاه ها و برنامه های جانبی و پیوند نویسندگان شرکت کننده با انجمن عصر داستان، در تلاشیم «هشت» از سطح یک فراخوان فراتر برود و به جریان ی زنده و اثرگذار تبدیل شود.

● جشنواره های ادبی معمولاً کارکردی مقطعی دارند؛ فراخوان می دهند، آثار بررسی می شود و در نهایت برگزیده ها اعلام می شود. اما به نظر می رسد جشنواره ادبی «داستان کوتاه هشت» رسالتی فراتر در نظر گرفته است. مثلاً توانست پای داوران و نویسندگان شاخصی را به مشهد باز کند و نشست های ادبی متنوعی برای علاقه مندان برگزار کند. قدم بعدی جشنواره چیست؟ چگونه قرار است به مسیر خود ادامه بدهد تا این پل ارتباطی حفظ شود؟

هشت پس از انتخاب برگزیدگان، کار را تمام شده نمی داند. هدف ما پشتیبانی از استعدادها و حفظ چرخه ارتباطی جشنواره است. ادامه نشست های ادبی و جلسه های نقد داستان با حضور نویسندگان مطرح، دعوت از برگزیدگان برای مشارکت در این جمع ها و معرفی آن ها به جامعه ادبی، طراحی برنامه های آموزشی و کارگاهی

۱۱۶۱	آثار دریافتی از نویسندگان بیشتر از ۲۵ سال
۴۲۷	آثار دریافتی از نویسندگان کمتر از ۲۵ سال
۹۹۹	آثار دریافتی از خانم ها
۵۸۹	آثار دریافتی از آقایان
۲۵۵۹	مجموع آثار دریافتی

گفت وگو با پریسا سیمین مهر، نقال و مدرس شاهنامه و نقالی

نقالی از ابزارهای مهم حفظ میراث شفاهی ایران است

می آید گفت وگو ی ایینا با این بانوی نقال است.

● نقالی به عنوان یکی از گونه های روایی ادبیات فارسی چه جایگاهی در سنت ادبی ایران دارد؟
نقالی یکی از بنیادی ترین گونه های ادبیات شفاهی ایران است. نخستین شکل های آن را می توان در «گوسان ها» دید که در دوره اشکانی و هخامنشی داستان های حماسی را همراه با ساز روایت می کردند. بنابراین، نقالی بخشی از میراث کهن ماست و آنچه امروز از نقالی موسیقایی باقی مانده، ادامه همان سنت است. نقالی را می توان یکی از ستون های اصلی ادبیات شفاهی ایران دانست.

● زبان و بیان نقالی چه نسبتی با زبان ادبی و شعر حماسی فردوسی دارد؟

این نسبت بستگی به دوره دارد. در گذشته چون عموم نقالان و مخاطبان بی سواد بودند، زبان نقل ساده و محاوره ای بود. اما امروز مخاطب آگاه است و نقال نمی تواند با زبان بسیار سطحی سخن بگوید. نقال باید از شعر به عنوان زبان فاخر فارسی بهره ببرد. زبان معیار را حفظ کند، از واژگان نازل دوری کند و در توضیح ها از محاوره بهره بگیرد. بنابراین زبان نقالی امروز ترکیبی از زبان فاخر، زبان معیار و محاوره کنترل شده است.

● از دیدگاه ادبی، نقال چگونه روایت را از متن مکتوب به روایت شفاهی و زنده تبدیل می کند؟
متون حماسی برای خواندن نوشته شده اند، اما برای اجرا باید دراماتیزه شوند. این فرایند شامل تبدیل شعر به نثر روایی، نوشتن

از جمله برنامه هایی است که آن را دنبال می کنیم.

● برای تداوم برنامه در سال های آینده چه برنامه ای دارید؟

درباره جشنواره ادبی داستان کوتاه هشت

فراخوان نخستین دوره جایزه ادبی داستان کوتاه هشت، اردیبهشت ماه امسال به همت مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی و با محوریت «انسان، انسانیت و کرامت انسانی»، ویژه فارسی زبانان سراسر جهان منتشر شد. این محور موضوع هایی چون «انسان در رابطه با خدا»، «سیره انسانی امام رضا(ع) وسختن ایشان»، «انسان در ارتباط با خانواده»، «انسان در ارتباط با جامعه و دیگران»، «انسان با احساس و عاطفه و خوشی ها و ناخوشی های زندگی»، «انسان در رابطه با امید و عدالت ورزی» را نیز در بر می گیرد.

این جشنواره علاوه بر معرفی بهترین داستان کوتاه در سه رتبه، سه بخش مستقل خود را ارسال کرده اند. علاوه بر آثار رسیده از ۲۱۳ شهر مختلف ایران، نویسندگانی از کشورهای فرانسه، کانادا، هلند، یمن، افغانستان و پاکستان نیز به این رویداد، آثار خود را ارسال کرده اند.

کوتاه درباره اولین دوره جشنواره ادبی داستان کوتاه هشت:

● مخاطب هدف این جشنواره بیشتر نویسندگان حرفه ای هستند یا نوقلم ها؟

جشنواره ادبی هشت از آغاز تلاش کرده است فضایی هم زمان برای حرفه ای ها و نوقلم ها فراهم کند. آثار بدون توجه به سابقه نویسنده و بدون نام و تنها با کد مشخص در اختیار داوران برای بررسی قرار می گیرد و صرفاً بر پایه کیفیت ادبی داوری می شود. برای حمایت جدی تر از نویسندگان تازه کار، بخش «قلم جوان» در نظر گرفته شده تا نوقلم ها در فضایی امن و حرفه ای دیده شوند و فرصت رقابت و معرفی داشته باشند. این بخش یکی از ارکان مهم هشت در راستای کشف و پرورش نسل تازه داستان نویسان است.

● نتیجه نهایی دوره اول چه زمانی اعلام می شود؟
به دلیل حجم بالای آثار دریافتی و لزوم بررسی دقیق و منصفانه آن ها، زمان برگزاری اختتامیه که قرار بود ۲۴ دی ماه باشد، به اوایل سال آینده موکول شده است. تاریخ دقیق مراسم اختتامیه و اعلام نتایج نهایی، پس از هماهنگی های لازم اطلاع رسانی خواهد شد.

دارد نقش زن در انتقال قصه ها بسیار بنیادی تر از آن باشد که در متون ثبت شده، اما برای پاسخ دقیق تر نیاز به پژوهش مستقل وجود دارد.

● نقالی چه نقشی در حفظ، انتقال و بازآفرینی میراث شفاهی ادبیات فارسی دارد؟

در گذشته پدربزرگ ها و مادر بزرگ ها با نوه ها زندگی می کردند و بخش بزرگی از فرهنگ از طریق قصه گویی انتقال می یافت. امروز باکم رنگ شدن این ارتباط ها و مشغله والدین، حلقه انتقال قطع شده است. نقالان اکنون می توانند این حلقه گمشده باشند و روایت های فرهنگی را به نسل عمومی داشته اند. اما باور من این است که زنان نخستین راویان تاریخ بشر بوده اند؛ همان مادرانی که روایت های تصویری غارها-از شکار و بقا- را برای کودکان باگو می کردند.

● آیا می توان نقالی را نوعی خوانش تفسیری وزنده از متون ادبی دانست؟

بله، به شرط آنکه نقال سواد تحلیلی داشته باشد. نقال می تواند یک واقعه شاهنامه را تفسیر کند و خوانشی نو ارائه دهد. اما متأسفانه بسیاری از نقل ها فقط روایت ساده اند و نه تحلیل. نقال امروز باید تسلط اسطوره ای و حماسی داشته باشد تا بتواند خوانش تفسیری ارائه کند وگرنه صرفاً راوی یک قصه خواهد بود.

● آینده پژوهش های ادبی درباره نقالی-به ویژه نقالی زنان-به چه سمت خواهد رفت؟

یکی از چالش های امروز این است که برخی دختران نقال، «اجرای حماسی» را با «تقلید از مردان» اشتباه می گیرند. این امر می تواند به شکل گیری نوعی خشونت در اجرای زنان و از میان رفتن لطافت زنانه منجر شود. اجرای زنانه می تواند در عین قدرت، لطیف باشد و نیازی به تقلید از ساختار زبانی و جسمانی مردان نیست. باید آموزش به گونه ای باشد که دختران نقال هویت زنانه خود را در روایت حفظ کنند. آینده نقالی زنان به میزان توجه به این مسئله بستگی دارد، حفظ هویت زنانه در دل حماسه.

برنامه ما این است که جشنواره ادبی هشت از این پس به صورت دوسالانه برگزار شود. این فاصله زمانی امکان برنامه ریزی دقیق تر، ارزیابی عمیق تر آثار و فرصت رشد و بالندگی نویسندگان را فراهم می کند. در فاصله میان دو دوره نیز فعالیت های جشنواره ادامه دارد؛ از جمله برگزاری نشست ها، کارگاه ها، دوره های ادبی و برنامه های آموزشی که به تقویت ارتباط با نویسندگان و مخاطبان کمک می کند. هدف ما تثبیت جایگاه هشت، فعالیت های مستمر، به عنوان رویدادی معتبر و اثرگذار در حوزه داستان کوتاه است.